

# داستان شعیب علیه السلام

## در قرآن و عهد قدیم\*

- عباس اشرفی<sup>۱</sup>
- مریم پیروان<sup>۲</sup>

### چکیده

بررسی اشتراکات و افتراقات داستان‌های انبیا در قرآن، عهد قدیم و عهد جدید، و مقایسه محتوا و شیوه داستان‌سرایی هر کتاب می‌تواند نتایج جالبی را به دست دهد. این مقاله با مقایسه داستان حضرت شعیب علیه السلام در قرآن و داستان یترون در عهد قدیم، این دو داستان را در هر کتاب به صورت جداگانه مورد ارزیابی قرار داده و سپس نقاط اشتراک و افتراق داستان‌ها را بررسی می‌کند. سؤالی که در این مقاله مطرح شده است این است که آیا می‌توان شعیب علیه السلام و یترون را یک شخص و همان پدر همسر حضرت موسی علیه السلام دانست؟ در جستار حاضر، به این سؤال با توجه به آیات قرآن و مطالب موجود در عهد قدیم و نیز مراجعه به تفاسیر موجود و بحث‌های لغوی پاسخ داده خواهد شد. نتیجه اجمالی این است که

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۰.

۱. استادیار دانشگاه علامه طباطبائی (ashrafi@atu.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) (peyrov.m@gmail.com).

شعیب علیه السلام در قرآن، همان یثرون و پدر همسر موسی علیه السلام در عهد قدیم است. در این مقاله همچنین سبک این داستان در هر یک از دو کتاب مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است و روش تحقیق در این مقاله روش تطبیقی متنی است.

**واژگان کلیدی:** شعیب علیه السلام، یثرون، مدین، عهد قدیم، سبک داستان.

#### مقدمه

از آنجا که اسلام، مسیحیت و یهودیت سه دین الهی بوده و از یک منبع واحد سرچشمه گرفته‌اند و علاوه بر آن، هر سه از ادیان ابراهیمی می‌باشند، این امری طبیعی است که مطالب موجود در کتاب‌های مقدس هر یک از آن‌ها، در جزئیات و کلیات متعددی شبیه به هم باشند. مسلمانان در این موارد به وحدت مصدر قائل‌اند و نه اقتباس قرآن از منابع مسیحی و یهودی. مخاطبان کتاب‌های مقدس، افراد بشرند که از بُعد هدایتی نیازهای مشابهی دارند و هدایت‌کننده نیز در همه موارد خداوند یکتایی است که پیام خود را از طریق انبیا به گوش بشر می‌رساند. بنابراین مشاهده تشابهات فراوان در این منابع وحیانی، برای فرد معتقد به هدایت بشر از سوی خدا و توسط پیامبران عجیب نیست. البته وجود تفاوت در بعضی موارد را نیز نباید نادیده گرفت. این تفاوت‌ها می‌تواند محصول شرایط زمانی و مکانی و مخاطبان متفاوت در زمان هر یک از پیامبران یا تحریفاتی باشد که در بعضی از این کتاب‌ها صورت گرفته است. در هر صورت، بررسی و مقایسه این اشتراکات و افتراقات می‌تواند نتایج مفید و جالبی را در بحث‌های علمی تاریخی و دینی به دنبال داشته باشد. امروزه بحث‌های تطبیقی دین از اهمیت به‌سزایی برخوردارند.

از جمله موضوعاتی که می‌توان آن‌ها را مورد مقایسه قرار داد، داستان انبیای الهی است. داستان‌های مربوط به انبیا را می‌توان در سه گروه بررسی کرد: داستان‌هایی که نام پیامبر مورد نظر در هر سه کتاب یکسان است؛ مانند داستان آدم علیه السلام، نوح علیه السلام و ابراهیم علیه السلام که البته ممکن است تفاوت‌هایی در محتوای این داستان‌ها وجود داشته باشد. دسته دوم داستان‌هایی که از نظر محتوا به هم شبیه‌اند اما نام پیامبر در آن‌ها متفاوت است و سوم داستان‌هایی که تنها در یک یا دو کتاب آمده‌اند و در کتاب‌های دیگر اصلاً ذکری از آن‌ها یا پیامبر وجود ندارد؛ مانند داستان سموئیل در عهد قدیم و

داستان صالح علیه السلام در قرآن.

در این مقاله، داستان حضرت شعیب علیه السلام مورد بررسی قرار گرفته است. این داستان را می‌توان در گروه دوم و سوم قرار داد؛ زیرا در عهدین نامی از شعیب برده نشده است. اما در داستان موسی علیه السلام در عهد قدیم از شخصی به نام یثرون یا رعوئیل نام برده شده که داستان او شبیه به داستانی در قرآن است. در این داستان قرآنی که به فرار حضرت موسی علیه السلام به مدین مربوط می‌شود، نام پیرمرد اهل مدین ذکر نشده است. اما در بسیاری از تفاسیر، وی همان شعیب علیه السلام دانسته شده است؛ شعیبی که در آیات دیگری از قرآن به داستان رسالت او و سرپیچی قومش پرداخته شده است. در عهد جدید اصلاً به این داستان پرداخته نشده است، مگر در کتاب اعمال رسولان که داستان فرار موسی علیه السلام به مدین بعد از کشتن فردی مصری بیان شده است. اما در این داستان، ذکری از آن پیرمرد و دخترانش به میان نیامده و تنها به مطلب زیر بسنده شده است:

موسی در مدین غربت اختیار کرد و در آنجا دو پسر آورد و بعد از چهل سال در بیابان کوه سینا آتشی دید و به پیامبری رسید (اعمال رسولان ۲۹-۳۰: ۷).

همان طور که گفته شد، با توجه به شباهت دو داستان در قرآن و عهد قدیم و تفاوت نام شخصیت اصلی آن‌ها، آنچه در این مقاله باید پاسخ داده شود این است که آیا شعیب و یثرون حقیقتاً به یک شخص اشاره دارند و آیا در قرآن پیرمردی که اهل مدین بود و بعد از فرار حضرت موسی علیه السلام از مصر، به وی پناه داده و دخترش را به همسری‌اش درآورد، همان شعیب علیه السلام است که در آیات متعدد دیگری به داستان او و قومش اشاره شده است و پرسش آخر اینکه تفاوت سبک این دو داستان تا چه اندازه می‌تواند در تأثیرگذاری بر خواننده و جذب او نقش داشته باشد.

برای پاسخ به این سؤالات، ابتدا داستان‌ها به لحاظ سبک بررسی می‌شوند. در این بخش در ارتباط با سبک‌های مختلف داستان در کتاب‌های مقدس بحث شده و سبک داستانی هر کتاب در مورد داستان شعیب و یثرون با یکدیگر مقایسه می‌شود. در اینجا روش تحقیق تطبیقی و از نوع تجزیه و تحلیل متن است.

در بخش بعد، داستان‌ها از نظر محتوا بررسی می‌شوند. به این صورت که مطالب موجود در مورد این داستان ابتدا در عهد قدیم و سپس در قرآن بیان می‌شوند، بعد از آن

بحثی در ارتباط با اسامی یترون، شعیب و رعوئیل خواهد شد که در این بخش، از تفاسیر موجود، کتاب‌های لغت و منابع روایی استفاده شده است و سپس مطالب مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. در پایان، مقایسه‌ای میان مطالب دو کتاب انجام می‌شود و بر این اساس نتیجه‌گیری می‌گردد. شایان ذکر است که روش تحقیق در این بخش، تجزیه و تحلیل محتوایی و تطبیق متنی است.

### ۱. بررسی داستان‌ها از حیث سبک

در تعریف سبک یا اسلوب گفته شده است که آن روش سخن‌گویی است که گوینده در تألیف سخن و اختیار الفاظ می‌پیماید (زرقانی، ۱۴۱۵: ۳۲۵/۲). در این بخش، این داستان را از حیث اسلوب یا سبک، عناصر داستان و نیز اهداف و نتیجه‌برآمده از آن بررسی می‌کنیم. همچنین تفاوت‌های موجود در داستان‌های عهد قدیم و قرآن از حیث سبک و نوع نگارش مقایسه می‌شود و نشان داده خواهد شد که این تفاوت‌ها می‌تواند به دلیل تفاوت در هدف آن کتاب‌ها از نقل این داستان‌ها باشد.

با مطالعه سه کتاب قرآن، عهد جدید و عهد قدیم متوجه می‌شویم که هدف هیچ یک داستان‌سرایی نیست بلکه در همه آن‌ها از داستان برای اهداف هدایتی و تربیتی مخاطبان استفاده شده است. البته غلظت معیارهای داستان‌گویی نسبت به مقاصد تعلیمی داستان، در عهد قدیم در مقایسه با قرآن و عهد جدید بیشتر به چشم می‌خورد و به ویژه در قرآن، وجه هدایتی پررنگ‌تر از رعایت سبک و اسلوب داستان‌سرایی است؛ برای مثال، در قرآن الزامی برای رعایت ترتیب تاریخی داستان‌ها یا ذکر نام‌ها و یا ذکر زمان و مکان وقوع داستان وجود ندارد. حتی گاهی ابتدا، انتها و وسط داستان، بسته به هدف مورد نظر جابه‌جا می‌شوند و یا تنها به بخشی از یک داستان بسنده می‌شود و از نقل کل داستان و حتی پایان داستان اجتناب می‌شود. اگرچه نمی‌توان انکار کرد که در قرآن نیز داستان‌های کاملی همچون داستان یوسف وجود دارد که البته در همان موارد نیز اولویت با مسائل اخلاقی و اهداف تربیتی قرآن است. این مسئله را می‌توان در نوع تعریف صحنه‌های خاصی از این داستان مشاهده کرد که در این موارد، عدم ذکر جزئیات و رد شدن سریع از این بخش داستان و نوع خاص تعابیر، اولویت داشتن مسائل

اخلاقی را در قرآن نشان می‌دهند. در مقابل اما در عهد قدیم گزارش داستان به ترتیب زمانی آن و با حفظ تقدم و تأخر و با ذکر جزئیات انجام شده است. پرداختن به جزئیات گاه در عهد قدیم تعجب‌برانگیز می‌شود. پرداختن به نام‌ها، رابطهٔ نسبی و گاه ایمانی میان افراد، شجره‌نامه‌ها و جزئیات نامرتبط در آن مرسوم است. اما بر خلاف این روش، حذف، گزیده‌گویی و پرهیز از اطناب، درازگویی و تکرار، از ویژگی‌های قصه‌گویی قرآن مجید است (نجفی، ۱۳۸۲: ش ۷۷/۷۵).

مسئلهٔ دیگر، تنوع متون در این کتاب‌هاست. از نوع تقسیم‌بندی فصول عهد قدیم و نیز مدت زمان نگرش آن و تعدد نویسندگان پیداست که در عهد قدیم، متون متنوعی از حیث محتوا، موضوع و سبک و نثر وجود دارد. اما در داستان‌های قرآن، نوعی وحدت و انسجام به چشم می‌خورد؛ زیرا از دید مسلمانان و بسیاری از غیر مسلمانان، این کتاب توسط یک راوی واحد و در مدت‌زمانی کوتاه، نازل و مکتوب شده و تا کنون از هر گونه تحریفی در امان بوده است.

شخصیت‌پردازی داستان، موضوع دیگری است که می‌تواند مورد مقایسه قرار گیرد. در عهد قدیم، شخصیت انبیا مصون از خطا و لغزش نیست. این مسئله به لحاظ داستانی باورپذیرتر و حتی پرکشش‌تر است. اما در مقابل، همین چهره‌ها در قرآن معصوم و منزّه از گناه معرفی می‌شوند (همان: ۷۴).

مسئلهٔ دیگر محاوره یا گفتگوست. در هر دو کتاب گفتگو وجود دارد با این تفاوت که در قرآن بسیار بیشتر از عهد قدیم است. در قرآن، محاوره میان انسان و خدا، ملائکه و خدا، انسان و ملائکه، انسان و حیوان، انسان و انسان و... صورت می‌گیرد. اما در عهد قدیم، محاوره فقط میان انسان و خدا یا انسان و انسان است (اشرفی، ۱۳۸۵: ۱۸۶).

تفاوت در سبک، نثر، نوع نگارش و عناصر داستان در مجموع موجب شکل گرفتن شکل متفاوتی از داستان در هر یک از این کتاب‌ها شده که هر کدام را از حیث جذب مخاطب متفاوت کرده است.

## ۱-۱. مقایسه

از نظر سبک و اسلوب داستان‌سرایی و شکل کلی داستان، داستان شعیب علیه السلام در قرآن

و یترون در عهد قدیم در اینجا مقایسه می‌شوند:

- به نظر می‌رسد سبک داستان در قرآن عاطفی است و داستان به صورت گفتگو میان شخصیت‌های اصلی داستان بیان شده است. مکالمات شعیب عَلَيْهِ السَّلَامُ با قومش یا شعیب عَلَيْهِ السَّلَامُ با دخترانش و دخترانش با موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ، با جزئیات بیشتری نسبت به عهد قدیم ذکر شده است. البته بیان این جزئیات هیچ‌گاه موجب اطناب ممل و تکرار بی‌فایده نشده، بلکه همواره حاوی نکات ظریف تربیتی و هدایتی بوده است.

- در قرآن تنها به نام شخصیت‌های اصلی داستان اشاره شده و نام بقیه افراد ذکر نشده و تنها به ذکر نقش آن‌ها اکتفا گردیده است؛ برای مثال در داستان شعیب عَلَيْهِ السَّلَامُ و قومش تنها به ذکر نام شعیب عَلَيْهِ السَّلَامُ اکتفا شده است و در داستان سوره قصص به دلیل اینکه شخصیت اصلی داستان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ است تنها نام او ذکر شده و اشاره‌ای به نام شعیب عَلَيْهِ السَّلَامُ و دخترانش نشده است. این روش در کل قرآن به چشم می‌خورد به این معنا که نقش افراد بسیار پررنگ‌تر از نام و نشان و ارتباطات خانوادگی آن‌هاست. اما در عهد قدیم، نام همه افراد و حتی وابستگان آن‌ها و نوع ارتباط خانوادگی آن‌ها با یکدیگر ذکر شده است؛ برای مثال نام دختران یترون و نوه‌های او نیز بیان شده است.

- پایان داستان یترون در عهد قدیم مشخص نیست؛ زیرا این داستان ذیل داستان موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ آمده است و داستان مستقلی نیست که پایان مشخصی داشته باشد و پس از آغاز داستان نبوت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ بر قوم بنی اسرائیل، داستان یترون رها می‌شود و داستان دارای پایانی باز است. در قرآن، داستان شعیب عَلَيْهِ السَّلَامُ و قومش با نابودی قوم گنجهکار و نجات درستکاران پایان می‌یابد و پایان داستان بسته است، اما پایان داستان موسی و شعیب عَلَيْهِ السَّلَامُ همچون عهد قدیم باز است و سرانجام آن مشخص نیست؛ یعنی هدف اصلی داستان، بیان سرگذشت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ بعد از فرار از مصر است که در حین آن اشاره‌ای نیز به خانواده شعیب عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌شود و سپس از آن گذر کرده و به داستان نبوت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ و مسائل بعد از آن می‌پردازد. این در قرآن امری عادی است؛ زیرا جز در مواردی اندک، داستانی از ابتدا تا انتها به طور کامل و به ترتیب وقایع بیان نشده است.

- در بعضی موارد در قرآن، نتیجه‌گیری‌هایی بعد از داستان بیان شده است؛ مثلاً بعد از اینکه در آیات ۸۵ تا ۹۳ سوره اعراف، داستان شعیب عَلَيْهِ السَّلَامُ و قومش و عذاب آن‌ها

بیان شده، در آیات بعد یک قاعده کلی در مورد همه اقوام بیان شده است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ﴾ (اعراف/ ۹۴). حتی در مواردی داستان پی نوشت دارد؛ مثلاً در سوره مبارکه شعراء، بعد از ذکر داستان حضرت شعیب علیه السلام این داستان آیه ای دانسته شده و سپس به ذکر و حیانی بودن قرآن می پردازد: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ \* وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ \* وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ \* نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ...﴾ (شعراء/ ۱۹۰-۱۹۳).

- از نظر طول داستان، داستان یثرون در عهد قدیم یک داستان کامل نیست و حتی شاید نتوان آن را داستان قسمتی از زندگی یثرون دانست؛ زیرا ذیل داستان موسی علیه السلام اشاراتی به فردی به نام رعوییل شده که با موسی آشنا شد و دختر خود را به او داد و سپس از او به نام یثرون، کاهن مدیان نام برده شده و در داستان موسی علیه السلام اشاراتی به او شده است. بنابراین شاید بتوان این داستان را در حد یک داستان کوتاه دانست. در قرآن نیز با وجود موارد متعددی که از شعیب علیه السلام یاد شده، تنها به دو بخش از زندگی او یعنی رسالت و نوع رابطه او با قومش و آشنایی او با موسی علیه السلام آن هم به صورت کوتاه اشاره شده است. پس در قرآن نیز این داستان کوتاه است.

- موضوع داستان در قرآن در بخش شعیب علیه السلام و قومش، موضوعی اجتماعی و عقیدتی است و داستان در سوره قصص خانوادگی است که به مسائل اخلاقی نیز پرداخته است. در عهد قدیم چون داستان به شکل گزارش تاریخی است و همچنین از آن جهت که در آن بیشتر به شخصیت موسی علیه السلام پرداخته شده، شاید نتوان موضوع خاصی برای آن بیان کرد اما به نظر می رسد موضوعات اخلاقی و خانوادگی نیز در آن مد نظر بوده است.

- به نظر می رسد داستان در قرآن موضوع محور است و موضوع اصلی یعنی هدایت قوم مد نظر می باشد. اما شاید در داستان موسی و شعیب علیه السلام تا حدی شخصیت محور شده و بیشتر در ارتباط با موسی علیه السلام است. در عهد قدیم بیشتر به موضوع رسالت و نیز شخصیت موسی علیه السلام پرداخته شده است.

- سبک داستان در عهد قدیم به شکل گزارش تاریخی است. داستان همچون نوشته های تاریخی و به ترتیب وقوع آن ها بیان شده و به جزئیات، بسیار پرداخته شده

است و بعد از پایان یافتن داستان یترون در سفر خروج، دیگر یادی از او در دیگر بخش‌ها نشده است. اما در قرآن به شکلی کاملاً متفاوت در هر جا که نام پیامبران بزرگ الهی و اقوامشان به میان آمده، داستان شعیب عَلَيْهِ السَّلَام نیز مطرح شده و بسته به هدف کلی آن سوره به نکات مختلفی از این داستان اشاره شده است. البته مطالب به اندازه و شکلی نیستند که داستان جنبه تاریخی پیدا کند و تنها نکات هدایتی مدنظر بوده است: گناه قوم و نحوه دعوت شعیب عَلَيْهِ السَّلَام. در قرآن اگر نقل قولی شده یا به گفتگوی شخصیت‌های داستان اشاره‌ای شده است، کاملاً در جهت جنبه‌های هدایتی داستان است و در هر یک از این گفتگوها، نکات تربیتی و هدایتی و اخلاقی نهفته است، اما این مسئله در عهد قدیم کم‌رنگ‌تر است و نقل قول‌ها غالباً جنبه تاریخی دارند.

## ۲. بررسی داستان‌ها از حیث محتوا

### ۱-۲. یترون در نگاه عهد قدیم

#### ۱-۱-۲. معرفی یترون و خانواده‌اش

رعوثیل که احتمالاً نام دیگر یترون و یا لقب اوست فرزند عیسو و نوه اسحاق است و مادرش بسمه نام دارد. بسمه کنعانی و دختر اسماعیل است (پیدایش ۳۶: ۲-۴). «و پسران ابراهیم: اسحاق و اسماعیل» (اول تواریخ ۱: ۲۸) «و ابراهیم اسحاق را آورد و پسران اسحاق، عیسو و اسرائیل بودند و پسران عیسو: الیفاز و رعوثیل و یعوش و یعلام و قورح و پسران رعوثیل: نَحْت و زَارِح و شَمَه و مَزَه» (اول تواریخ ۱: ۳۴-۳۷). او همچنین پسری به نام حوباب دارد: «و موسی به حوباب بن رعوثیل مدیانی که برادر زن موسی بود، گفت که...» (اعداد ۱۰: ۲۹) و در جای دیگر آمده است: «و حابَر قینی خود را از قینیان یعنی از بنی حوباب برادر زن موسی جدا کرده...» (داوران ۴: ۱۱). رعوثیل همچنین هفت دختر داشت که یکی از آن‌ها همسر موسی است (خروج ۲: ۱۷).

در عهد قدیم یترون، کاهن مدیان و پدرزن موسی خوانده شده است. «و اما موسی گله پدر زن خود، یترون، کاهن مدیان را شبانی می‌کرد» (خروج ۱: ۳). دختر او صفوره، بعد از فرار موسی از مصر و پناه بردنش به مدیان و آب کشیدن موسی برای آن‌ها، با



موسی ازدواج کرد و دو پسر آن‌ها به نام‌های جرشون و الیعازر هستند (خروج ۲: ۱۷-۲۳). جرشون به معنای غریب است و موسی در هنگام نام‌گذاری او گفت: «زیرا در سرزمین بیگانه غریب هستم» و الیعازر را به این دلیل نام نهاد که گفت: «زیرا که خدای پدرم مددکار من بوده، مرا از شمشیر فرعون رهانید» (خروج ۳: ۱۸). حضرت موسی ع بعد از ازدواج با دختر یثرون برای او شبانی می‌کرد. روزی گوسفندان را برای چرا به حوریب که جبل‌الله باشد، برد و در آنجا با خدا سخن گفت و به پیامبری رسید (خروج ۳: ۱-۵)، سپس به نزد شعیب بازگشت و با همسر و فرزندان او روانه مصر شد (خروج ۴: ۱۸-۱۹).

### ۲-۱-۲. نبوت یثرون

در سفر خروج، نقل شده که بعد از بازگشت موسی ع به همراه بنی اسرائیل از مصر، یثرون دختر و نوه‌هایش را به نزد موسی در بیابان برد و موسی او را از تمام مشقتی که از سوی فرعون و مصریان به بنی اسرائیل رسیده بود آگاه کرد و اینکه خدا آن‌ها را از شر فرعونیان رهانیده بود (خروج ۱۸: ۹). یثرون با شنیدن این وقایع گفت الان دانستم که یهوه از جمیع خدایان بزرگ‌تر است (خروج ۱۸: ۱۲).

عهد قدیم، پیامبر بودن یثرون را زیر سؤال می‌برد؛ زیرا او در یگانگی خداوند تردید داشت و بعد از شنیدن سخنان موسی آن‌هم در سنین کهنسالی به برتری یهوه پی می‌برد. یثرون بعد از اینکه به نزد موسی در بیابان رفت، مشاهده کرد که موسی خود به تنهایی برای تمام بنی اسرائیل در مورد اختلافاتشان داوری می‌کند و سؤالات شرعی آنان را پاسخ می‌گوید و از صبح تا شام به این کار مشغول است. او موسی را نصیحت می‌کند که این کار تو و قوم را خسته می‌کند. بهتر است که مردانی خدا ترس و امین از میان قوم انتخاب کنی تا امور کوچک را خود فیصله داده و امور بزرگ را به تو ارجاع دهند. موسی پذیرفت و بعد از آن یثرون به دیار خود بازگشت (خروج ۱۸: ۱-۲۷).

### ۳-۱-۲. قوم یثرون

در عهد قدیم، مطلبی درباره قوم یثرون نیامده است.

## ۲-۲. شعیب علیه السلام در نگاه قرآن

### ۱-۲-۲. معرفی شعیب علیه السلام و خانواده‌اش

اگر شعیب علیه السلام را پدر همسر حضرت موسی علیه السلام بدانیم او همان پیرمرد کهنسالی است که در سوره قصص از او سخن گفته شده و موسی علیه السلام را بعد از فرار از مصر پناه داد. شعیب علیه السلام در این زمان به قدری پیر و ناتوان بود که دختران او باید به اموری چون آب دادن به گوسفندان می‌پرداختند (قصص / ۲۳-۲۴). در قرآن تنها به دو دختر او اشاره شده است که به حیا و وقار توصیف شده‌اند اما نامی از آن‌ها برده نشده است. موسی علیه السلام برای آن‌ها از چاه آب کشید و شعیب علیه السلام در عوض او را پناه داد و به او گفت: «ترس که از شر مردم ستمکار نجات یافتی» (قصص / ۲۵). یکی از دختران شعیب علیه السلام از پدر خواست که موسی علیه السلام را که امین و تواناست به خدمت خود اجیر کند (قصص / ۲۶). او شاید همان دختری باشد که در ازای ۸ سال خدمت موسی علیه السلام به عقد موسی علیه السلام درآمد (قصص / ۲۷). حضرت موسی علیه السلام بعد از اتمام این مدت، با خانواده‌اش به سوی دیار خویش رو کرد و در طول همین سفر به پیامبری مبعوث شد (قصص / ۲۹). در این آیات نیز نامی از همسر و فرزندان حضرت موسی علیه السلام نیامده است.

### ۲-۲-۲. نبوت شعیب علیه السلام

شعیب علیه السلام پیامبری بود که از جانب خداوند به سوی اهل مدین فرستاده شد و در قرآن، برادر آن قوم خوانده شده است: «و به سوی اهل مدین برادر آن‌ها شعیب را فرستادیم» (اعراف / ۸۵؛ هود / ۸۴). او در قرآن مرسل (ر.ک: شعراء / ۱۷۶) و رسول امین (شعراء / ۱۷۸) خوانده شده است. همچنین از نوع سخن گفتن او با قومش که به دعوت انبیا شبیه است، مانند دعوت به توحید (ر.ک: اعراف / ۸۵) و تقوای الهی و نطلبیدن مزد در مقابل این دعوت (ر.ک: شعراء / ۱۷۹-۱۸۰)، و نیز از آنجا که داستان شعیب علیه السلام و قومش در قرآن، در میان داستان پیامبران بزرگی همچون ابراهیم و موسی علیه السلام آمده است می‌توان نتیجه گرفت که حضرت شعیب علیه السلام به طور حتم در قرآن پیامبری از پیامبران الهی دانسته شده است. دعوت او با امر به توحید و تقوای الهی و توجه دادن به روز جزا آغاز شده و سپس قوم را از مفساسدی که بدان دچار بودند، نهی می‌کند (اعراف / ۸۵؛ هود / ۸۴).

## ۲-۲-۳. قوم شعیب علیه السلام

از سخنانی که میان شعیب علیه السلام و قومش رد و بدل شده و در قرآن بارها به تفصیل بیان گردیده است می‌توان به مفاصد رایج در میان این قوم و روحیات و نوع رفتار آنها پی برد. قوم شعیب دچار مفاصد مالی و اقتصادی بودند و کم‌فروشی و گران‌فروشی می‌کردند. شعیب علیه السلام آنها را سفارش می‌کرد که کم‌فروشی نکنند و در سنجش کیل و وزن با مردم عدل و درستی پیشه کنند (اعراف / ۸۵؛ هود / ۸۴). همچنین آنها را دعوت می‌کرد که دیگران را از راه درست باز ندارند و برای گمراه کردن آنان کمین نکنند (اعراف / ۸۶).

اما قوم شعیب نه تنها ایمان نیاوردند بلکه از هیچ اذیت و آزاری نیز فروگذار نکردند. آنها شعیب علیه السلام را به اخراج از شهر (اعراف / ۸۸) و سنگسار (هود / ۹۱) تهدید می‌کردند و او را از روی تمسخر درستکار و بردبار می‌خواندند (هود / ۸۷) و متهم به سحر و دروغ‌گویی می‌کردند (شعراء / ۱۸۵-۱۸۶). همچنین مردم را از پیروی او باز می‌داشتند (اعراف / ۹۰)، ولی حضرت شعیب علیه السلام با مهربانی این آزارها را پاسخ می‌گفت و به آنها می‌گفت که بنای مخالفت با ایشان را ندارد بلکه هدفش اصلاح امر آنهاست (هود / ۸۸).

زمانی که شعیب علیه السلام از دعوت آنها ناامید شد خداوند با زلزله‌ای آنان را هلاک کرد (اعراف / ۹۱-۹۲؛ عنکبوت / ۳۷). در آیات دیگر، عذابی که آنها را نابود کرد صیحه گفته شده است (هود / ۹۴؛ ص / ۱۵) که البته می‌توان گفت زلزله و صیحه توأم بوده‌اند. قوم شعیب در قرآن، «أصحاب مدین»، «المؤتفکات» و «أصحاب الأیكة» خوانده شده‌اند. داستان این قوم در همه موارد بلافاصله قبل از داستان حضرت موسی علیه السلام و قوم بنی‌اسرائیل بوده و حتی گاهی به هم عطف شده‌اند: و اصحاب مدین همه رسولان خود را تکذیب کردند و موسی نیز تکذیب شد (حج / ۴۴).

شاید این مسئله هم‌زمانی این دو قوم را نشان دهد و گاه نیز قوم شعیب به قوم تبع عطف شده است (ق / ۱۴).

## ۲-۳. شعیب علیه السلام و یترون

در ابتدا باید سه مسئله را مورد بررسی قرار داد: اول اینکه آیا در قرآن، در داستان فرار حضرت موسی علیه السلام به مدین و آشنایی او با آن دختران و پدرشان، آن پیرمرد همان حضرت شعیب علیه السلام است که در آیات دیگر قرآن از او و قومش سخن رفته است؟ دوم اینکه آیا در عهد قدیم، رعوئیل و یترون دو نام برای یک نفر هستند؟ و سوم اینکه آیا می‌توان شعیب را همان یترون یا رعوئیل دانست که در عهد قدیم پدر همسر موسی علیه السلام و کاهن مدیان بود؟ در عهد قدیم نامی از شعیب نیامده است، اما پدرزن حضرت موسی علیه السلام شخصی است به نام یترون که کاهن مدیان بود. او در جای دیگر رعوئیل نامیده شده است. در داستان فرار موسی علیه السلام در عهد قدیم در سفر خروج آمده است:

و کاهن مدیان را هفت دختر بود که آمدند و آب کشیده... و شبانان نزدیک آمدند تا ایشان را دور کنند. آنگاه موسی برخاسته ایشان را مدد کرد و گلّه ایشان را سیراب نمود و چون نزد پدر خود رعوئیل آمدند او گفت: «چگونه امروز بدین زودی برگشتید؟»... و موسی راضی شد تا با آن مرد ساکن شود و او دختر خود صفوره را به موسی داد و آن زن پسری زایید و [موسی] او را جرشون نام نهاد، چه گفت: «در زمین بیگانه نزیل شدم» (خروج ۱۷-۱۸: ۲).

و بلافاصله بعد از آن آمده است «و اما موسی گلّه پدرزن خود یترون کاهن مدیان را شبانی می‌کرد» (خروج ۲: ۳). از ظاهر جملات عهد قدیم و اینکه با فاصله‌ای اندک پدر همسر موسی علیه السلام که رعوئیل نام داشت به یترون تغییر نام داد، می‌توان نتیجه گرفت که یترون و رعوئیل یک نفر هستند.

در قرآن به این مسئله که حضرت شعیب علیه السلام همان پدر همسر حضرت موسی علیه السلام است تصریح نشده است و مشخص نیست که آیا پیرمرد اهل مدین که حضرت موسی علیه السلام بعد از فرار از مصر به او پناه برد و با دخترش ازدواج کرد همان شعیب علیه السلام می‌باشد یا خیر؟ از آیات قرآن نمی‌توان به این مسئله پی برد و در قرآن تنها چند نشانه برای انطباق این دو نفر وجود دارد: اول اینکه تقریباً در همه موارد بلافاصله بعد از ذکر داستان شعیب علیه السلام و قومش به داستان حضرت موسی علیه السلام اشاره شده است. دوم اینکه پیرمرد سوره قصص در مدین می‌زیست و از ظاهر آیات چنین به نظر می‌رسد که از

بزرگان شهر بوده است و شعیب علیه السلام نیز پیامبر اهل مدین بود. البته این دو نکته به خودی خود نمی‌توانند نشان‌دهنده این باشند که این دو یک نفر بوده‌اند. تنها در روایات تفسیری آیات سوره قصص، این پیرمرد صراحتاً شعیب علیه السلام گفته شده است؛ برای مثال در بسیاری از روایات، این آیه از قول شعیب علیه السلام نقل شده است: «إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَ إِحْدَى ابْنَتَيْ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرْنِي ثَمَانِي حَجَجٍ»<sup>۱</sup> و یا در روایات متعدد تفسیری ذیل آیاتی که به مکالمه پیرمرد با دخترانش درباره نوع برخورد موسی علیه السلام با آن دختران اشاره دارند، نام آن پیرمرد شعیب علیه السلام گفته شده است.<sup>۲</sup>

در منابع روایی اسلامی و نیز تفاسیر، نام‌های شعیب، یثرون، یثرون، رعوئیل و یا رعویل در ارتباط با پدر همسر حضرت موسی علیه السلام آمده است. در بعضی منابع این اعتقاد وجود دارد که این‌ها نام‌های عبری حضرت شعیب علیه السلام هستند و در بعضی دیگر گفته شده که نام فرد دیگری غیر از شعیب‌اند که البته برادرزاده شعیب و نیز پدر همسر حضرت موسی علیه السلام است. مسلماً در گروه اول این اعتقاد وجود دارد که شعیب علیه السلام که یکی از پیامبران مذکور در قرآن است همان پدر همسر حضرت موسی علیه السلام است و گروه دوم معتقدند که پدر همسر موسی علیه السلام شخصی غیر از شعیب علیه السلام است که از اهالی مدین بوده است. اما معمولاً در این مورد که رعوئیل و یثرون یا یثرون یک نفرند اختلاف نظری وجود ندارد. در بحارالانوار دو مورد یثرون آمده است. یک مورد در تفسیر آیات مربوط به حضرت شعیب علیه السلام و قومش که در آنجا نام شعیب، یثرون بن صیفون بن عنقاء بن ثابت بن مدین بن ابراهیم بیان شده است و بعضی گفته‌اند که او شعیب بن میکیل از

۱. عدّة من أصحابنا عن سهل بن زياد و علي بن إبراهيم عن أبيه جميعاً عن أحمد بن محمد بن محمد بن أبي نصر، قال: قلت لأبي الحسن عليه السلام: قول شعیب عليه السلام: إني أريد أن أنكح إحدى ابنتي هاتين علي أن تأجرني ثمانی حجج فإن أتممت عشراً فمن عندك أي الأجلين... (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۱۴/۵).

و عن الحلبي قال: سئل أبو عبد الله عليه السلام عن البيت أكان يحج قبل أن يعث النبي صلى الله عليه وآله وسلم، قال: نعم و تصدّيقه في القرآن، قول شعیب عليه السلام حين قال لموسى عليه السلام حيث تزوج: «علي أن تأجرني ثمانی حجج» ولم يقل ثمانی سنين... (نوری طبرسی، بی تا: ۹/۸).

۲. ویاسناده عن صفوان بن يحيى عن أبي الحسن عليه السلام في قول الله عزّ وجلّ: «بأبنت استأجرت إن خير من استأجرت القوي الأمين» قال: قال لها شعیب: يا بنية هذا قوي برفع الصخرة الأمين، من أين عرفته؟ قالت: يا أبت إنني مشيت قدّامة، فقال: امشي من خلفي، فإن ضللت فأرشديني إلى الطريق، فإننا قوم لا نلحق إلا أذبار النساء (حرّ عاملی، بی تا: ۱۹۹/۲۰؛ نیز ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۲/۱۳).

فرزندان مدین بوده است و بعضی گفته‌اند که او از فرزندان ابراهیم نیست و تنها از نسل کسانی است که به ابراهیم ایمان آورده و همراه او به شام هجرت کردند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۸۷/۱۲). دومین مورد در ارتباط با داستان موسی علیه السلام و آب کشیدن برای دختران اهل مدین، نام یثرون آمده است. در اینجا نام پدر دختران که پیرمردی بود، شعیب گفته شده است و سپس از ابن عباس نقل شده که نام پدر همسر موسی که همان پیرمرد بود یثرون، پسر برادر شعیب بود (همان: ۵۸/۱۳).

اکثر مفسران بنا بر این قرینه که شعیب علیه السلام در قرآن پیامبر اهل مدین بود و موسی علیه السلام هم به سوی مدین گریخت، معتقدند که شعیب علیه السلام همان پدرزن موسی علیه السلام است که در تورات یثرون یا رعوئیل نامیده شده است. تنها وهب بن منبه است که از مفسران قدیم و در اصل یهودی یا مطلع از تورات بوده و بر اساس قسم اول از باب سوم سفر خروج معتقد است «یثرون» یا رعوئیل که پدرزن موسی علیه السلام بوده، برادرزاده شعیب است (طالقانی، ۱۳۶۲: ۸۸/۳). سعید بن جبیر نیز گفته است که آن پیرمرد، یثرون برادرزاده شعیب بود (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۸۳/۱۸). همچنین در تفاسیر البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید (ابن عجبیه، ۱۴۱۹: ۲۴۲/۴)، الدر المنثور (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۲۶/۵)، زاد المسیر فی علم التفسیر (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳۸۱/۳) و مجمع البیان فی تفسیر القرآن (طبرسی، ۱۳۶۰: ۳۸۸/۷) گفته شده است که یثرون برادرزاده شعیب علیه السلام بوده است. در مقابل در تفاسیری چون تفسیر المراغی (مراغی، بی تا: ۲۰۸/۸)، المیزان (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۷۸/۱۰)، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹: ۴۰۱/۳)، روح البیان (حقی بروسوی، بی تا: ۳۹۶/۶) و روح المعانی (حسینی آوسی، ۱۴۱۵: ۲۷۱/۱۰) یثرون همان شعیب دانسته شده است.

در بعضی منابع این طور بیان شده که شعیب در نزد یهود، یثرون خوانده می شد و اصطلاحاً به جای نبی به او کاهن گفته شده است (ابن عاشور، بی تا: ۳۹/۲۰). شعیب، یثرون و رعوئیل در حقیقت یک نفرند و چه بسا شعیب ترجمه یثرون باشد (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۷۲/۶). یثرون لقب رعوئیل بوده است (بلاغی، ۱۳۸۶: ۲۶۹/۱).

در ارتباط با این شخص، اسامی مختلفی ذکر شده است. در عبری Jethro یا yetro، و در عربی شعیب، پدرزن موسی، یک شبان و کاهن مدیان بود. در سفر خروج (۱۸: ۲) او همچنین Reuel نامیده شده است و در سفر داوران (۱۱: ۴) Hobab

(en.wikipedia.org/wiki/Jethro-(Bible)). البته در سفر اعداد (۲۹: ۱۰)، حویاب پسر رعوثیل مدیانی و برادرزن موسی است و در سفر خروج (۱۶: ۲)، رعوثیل هفت دختر دارد که یکی از آنها همسر موسی است. شاید این امر بدین دلیل باشد که در عهد قدیم برای پدرزن و برادرزن و کلاً هر رابطه‌ای که از ازدواج ایجاد می‌شود، تنها از کلمه chathan استفاده شده است (en.wikipedia.org). پس آنچه صحیح به نظر می‌رسد این است که یترون و رعوثیل پدرزن موسی، و حویاب برادرزن اوست. در تلمود نیز این اختلاف نام، بحث‌هایی ایجاد کرده است. گفته شده که نام او رعوثیل به معنای دوست خداست و یترون عنوانی برای اوست، به معنای عالی جناب. در بعضی موارد برای او هفت نام گفته شده است: Reuel, Jether, Jethro, Hobab, Heber, Keni, Putil (en.wikipedia.org/wiki/Jethro\_in\_rabbinical\_literature).

در کتاب‌های لغت، شعیب نبی علیه السلام هم در مقابل Shoab و هم برای Jethro که احتمالاً همان یترون است، آمده است (گواهی، ۱۳۷۴: ۳۴). شعیب به معنای کسی که راه درست را نشان می‌دهد، یترون به معنای عالیجناب و رعوثیل (Raguel) به معنای دوست خداست (en.wikipedia.org) که به نظر می‌رسد لقب اوست. در لغت‌نامه دهخدا نام اصلی او اوئیرن و به فارسی یوبب گفته شده است (www.Loghatnaameh.org) که نام دوم به حویاب شبیه می‌باشد.

یترون به معنای «فضل او» و رعوثیل «خدا او را رعایت می‌کند» می‌باشد (بلاغی، ۱۳۸۶: ۲۶۸/۱). رعوثیل به معنای صدیق‌الله یا «صادق فی عبادت» گفته شده است (مراغی، بی‌تا: ۲۰۸/۸).

## ۲-۴. مقایسه

- در عهد قدیم، مطالب مربوط به یترون در ذیل داستان حضرت موسی علیه السلام آمده است و او در همه جا با عنوان پدرزن موسی و کاهن مدیانی مطرح می‌شود. مطلبی در ارتباط با خود او و قومش و نوع ارتباط او با اهل مدین به طور مستقل وجود ندارد. مطالب قرآن درباره حضرت شعیب علیه السلام بیشتر است و به طور مستقل به او و قومش پرداخته شده است، اما به عکس عهد قدیم، در قرآن در داستان شعیب علیه السلام و قومش،



اثری از موسی نیست، مگر در داستان پناه بردن موسی به مدین که در آنجا هم نامی از شعیب برده نشده است. مکالماتی که میان شعیب عَلَيْهِ السَّلَام و قومش رد و بدل می‌شود تقریباً نشان‌دهنده وضعیت قوم، فسادی که به آن مبتلا بودند و رابطه آن‌ها با پیامبرشان است.

- در عهد قدیم، یترون تنها کاهن خوانده شده و تردید او در ارتباط با خداوند آن هم در سنین کهنسالی، پیامبر بودن او را منتفی می‌کند. اما در قرآن به طور قطع و به صراحت یکی از پیامبران الهی دانسته شده و چهره‌ای معصوم و پیامبرانه از او به تصویر کشیده شده است.

- نام او در عهد قدیم، یترون از اهالی مدیان است و در قرآن، شعیب اهل مدین.  
- نام افراد خانواده یترون در عهد قدیم آمده است. در این کتاب به تفصیل به نام پدر و مادر و اجداد و فرزندان و نوه‌های یترون اشاره شده است. اما در قرآن مانند همیشه، نامی از افراد خانواده شعیب ذکر نشده و تنها به شخصیت‌های اصلی داستان پرداخته شده است.

- عهد قدیم و قرآن در داستان پناه بردن موسی به مدین از شر فرعونیان و آب کشیدن او برای گوسفندان دختران پیرمرد و آشنایی او با آن پیرمرد و ازدواج او با یکی از دختران مشترک هستند؛ با این تفاوت که در عهد قدیم تعداد دختران ۷ نفر و در قرآن ۲ نفر گفته شده است. در قرآن این دختران به داشتن حیا و وقار وصف شده‌اند اما در عهد قدیم وصفی در این مورد وجود ندارد. آن پیرمرد در این قسمت از داستان در عهد قدیم رعوییل خوانده شده است.

- در عهد قدیم تنها به این موضوع اشاره شده که موسی برای یترون شبانی می‌کرد و دلیل آن بیان نشده است. اما در قرآن دلیل آن عهدی بیان شده که موسی و شعیب قبل از ازدواج موسی با دختر او با هم بستند، مبنی بر اینکه موسی مدت ۸ سال به شعیب خدمت کند.

- در قرآن موسی بعد از اتمام دوره عهد خود، با خانواده‌اش به سمت دیار خود حرکت کرد و در بیابان آتشی دید و هنگامی که به سمت آتش رفت ندای خداوند را شنید و به پیامبری مبعوث شد. اما در عهد قدیم او به تنهایی برای شبانی رفته بود که آن آتش را دید و به پیامبری مبعوث شد. او سپس به نزد یترون بازگشت و برای هدایت



بنی اسرائیل به همراه خانواده‌اش به سمت مصر حرکت کرد.

- در قرآن جریان مبعوث شدن موسی به پیامبری به تفصیل بیان شده و به اتفاقاتی که برای موسی و خانواده‌اش در بیابان افتاد و مکالمات موسی علیه السلام با خداوند اشاره شده است. همچنین مکالماتی که میان شعیب و قومش رد و بدل می‌شد به طور مفصل مشاهده می‌شود. در عهد قدیم در دو مورد، مکالمات میان شخصیت‌های داستان را مشاهده می‌کنیم: صحبت‌های موسی و یثرون بعد از بازگشت موسی از مصر در ارتباط با هدایت قوم بنی اسرائیل و نجات از فرعونیان، و مکالمه یثرون و موسی در ارتباط با مسئله قضاوت موسی.

### نتیجه‌گیری

دیدگاه مشهور و غالب در روایات و تفاسیر این است که پیرمرد اهل مدین در قرآن همان شعیب نبی علیه السلام است. یثرون لقب رعوثیل می‌باشد و شعیب نام عربی این پیامبر است که در عهد قدیم در مورد او واژه کاهن به کار رفته است.

در مورد سبک داستان‌ها در دو کتاب باید گفت که این داستان در قرآن به صورت قطعات کوتاه با هدفی خاص که با سیاق آیات قبل و بعد هماهنگ است و در راستای هدف کلی سوره قرار دارد بیان شده و داستان به ویژه آنجا که به آشنایی موسی با شعیب و خانواده او می‌پردازد از جذابیت خاصی برخوردار است. در سایر موارد، داستان‌های انبیا به صورت قطعات کوتاه در کنار هم قرار گرفته‌اند.

اما در عهد قدیم به صورت سلسله‌وار به مسائل و وقایع پرداخته شده و تنها اطلاعاتی در مورد این شخص در اختیار خواننده قرار گرفته است و پویایی و نشاط خاصی که این داستان در قرآن دارد در عهد قدیم مشاهده نمی‌شود.

در قرآن به ظریفی در ارتباطات میان افراد اشاره شده که در عهد قدیم با وجود ذکر جزئیات، مشاهده نمی‌شوند؛ مثلاً در قرآن به نوع برخورد و حتی شیوه راه رفتن دختر شعیب که نشانه حیا اوست، اشاره شده است و در عهد قدیم تنها به نام او. در عهد قدیم تنها گفته شده که یثرون دختر خود را به موسی داد، اما در قرآن به جزئیاتی در جریان این ازدواج اشاره شده است.

## کتاب‌شناسی

۱. کتاب مقدس.
۲. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۲ ق.
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر و التتویر*، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، بی تا.
۴. ابن عجیبه، احمد بن محمد، *البحر الممدید فی تفسیر القرآن المجید*، تحقیق احمد عبدالله قرشی رسلان، قاهره، حسن عباس زکی، ۱۴۱۹ ق.
۵. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
۶. اشرفی، عباس، *مقایسه قصص در قرآن و عهدین*، تهران، نشر بین الملل، ۱۳۸۵ ش.
۷. بلاغی، سید عبدالحجت، *حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر*، قم، حکمت، ۱۳۸۶ ش.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، بی تا.
۹. حسینی آلوسی، شهاب‌الدین محمود بن عبدالله، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۱۰. حقی بروسوی، اسماعیل، *روح البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۱۱. زرقانی، محمد عبدالعظیم، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، بیروت، دار الکتب العربیه، ۱۴۱۵ ق.
۱۲. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۳. طالقانی، سید محمود، *پرتوی از قرآن*، چاپ چهارم، تهران، انتشار، ۱۳۶۲ ش.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، *ترجمه تفسیر مجمع البیان*، ترجمه مترجمان، تحقیق محمد مفتاح، تصحیح رضا ستوده، تهران، فراهانی، ۱۳۶۰ ش.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۱۷. گواهی، عبدالرحیم، *واژه‌نامه ادیان*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. مراغی، احمد مصطفی، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۰. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۲۱. نجفی، رضا، «داستان‌های عهد عتیق و مقایسه تطبیقی آن با قصص قرآنی»، *مجله کتاب ماه ادبیات و فلسفه*، شماره ۷۷، اسفند ۱۳۸۲ ش.
۲۲. نوری طبرسی، حسین بن محمد، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء تراث، بی تا.